

هویت ملی و محلی مردم لک^۱

* علی رضائیان

E-mail: Alirezaeian74@yahoo.com

** منصور وثوقی

E-mail: Vosooghi_mn@yahoo.com

*** باقر ساروخانی

E-mail: sarokhani@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۴

چکیده

سؤال از چیستی هویت اجتماعی جامعه‌ی ایرانی، پرسش ماندگاری‌ست. این مقاله به مطالعه‌ی جامعه‌شناختی هویت ملی و محلی لک زبانان ایران، می‌پردازد. روش تحقیق، پیمایشی، جامعه‌ی آماری تحقیق، مردمان لک‌زبان ساکن در چهار استان لرستان، کرمانشاه، ایلام و همدان بوده و تعداد ۴۰۲ نفر از آنها به‌عنوان حجم نمونه با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین هویت ملی و هویت محلی، همبستگی وجود داشته و شدت گرایش به هویت ملی، قویتر از گرایش به هویت محلی است. ضرایب استاندارد رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای همزیستی فرهنگی، هویت محلی و علائق زیبایی‌شناختی بومی، بر هویت ملی اثرتقویتی داشته و ۴۲ درصد واریانس هویت ملی را تبیین می‌کنند.

کلید واژه‌ها: هویت، ملی، محلی، لک، ایران.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری جامعه‌شناسی تحت عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی هویت در سطوح محلی، ملی و جهانی» در سال ۱۳۹۵ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران می‌باشد.

* دکتری جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران، نویسنده‌ی مسؤل

** استاد جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

*** استاد جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

مقدمه و طرح مسأله

موضوع هویت، سطوح، ابعاد و نحوه‌ی آرایش آنها از دغدغه‌های مهم و اساسی جامعه‌شناسان ایرانی و اندیشمندان عرصه‌ی علوم اجتماعی و رفتاری است. ایران کشوری است از لحاظ فرهنگی متنوع، و دارای قدمت تاریخی و موقعیت جغرافیایی سوق‌الجیشی، و در حالی که «هویت ملی ایرانی»، عالی‌ترین نماد تجلی هویتی مردمان آن است (احمدی، ۱۳۹۰)، هویت‌های محلی، با ویژگی‌های فرهنگی، که در همگرایی و تعامل با آن جلوه‌گر شده‌اند، سزاوار بررسی جدی هستند. در بین اقوام ساکن در ایران، لک‌ها جزو ساکنان اصیل ایرانی بوده، و قدمت تاریخی آنها چندین هزار ساله است. نتایج پژوهش‌های مشترک موزه ملی ایران، موزه تاریخ طبیعی پاریس و دانشگاه ماینس آلمان بر روی «دی.ان.ای» باستانی و ایزوتوپ نمونه‌های استخوان انسان از تپه‌ی «عبدالحسینی دلفان»، منتشر شده در مجله ساینس (گیونس، ۲۰۱۶)، مبنی بر آغاز کشاورزی از این منطقه همزمان با بین‌النهرین، تأییدی بر این ادعا است مردمان لک در کشور ایران پراکنده‌اند، هر چند که بیشتر در استان‌های لرستان، کرمانشاه، ایلام و همدان مقیم‌اند. زبان این مردمان لکی است و از نظر راولینسون (۱۳۶۲)، مشتق شده از زبان فارسی باستان بوده و هم‌چنین از لحاظ گروه‌بندی زبان‌ها، جزو زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی محسوب می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۸۶۲).

پراکندگی مردمان لک و هم‌چنین دیدگاه‌های ضد و نقیض مستشرقینی همچون مینورسکی (۱۳۷۹)، راولینسون (۱۹۶۵)، ژاک دومرگان (۱۳۳۹)، و پژوهشگران داخلی همچون ایزدپناه (۱۳۸۴)، امان‌الهی بهاروند (۱۳۸۵)، عبدی (۱۳۹۱) و دبیرمقدم (۱۳۹۲)، در مورد هویت زبانی مردم لک، و عدم مطالعه‌ی منسجم و علمی و در نهایت، فقدان شفافیت در مورد هویت آنها، باعث شده است که، برخی محققین آنها را جزو لرها و برخی دیگر، آنها را از اکراد تلقی کنند، درحالی‌که تأکید گروه سوم بر حوزه خاص فرهنگی لکستان است. اما در این میان آنچه که موجب مبهم بودن هویت مردمان لک شده، مواجهه و رویارویی آنها با مدرنیته بوده است. «مردمان لک در مدت چند دهه از یک دنیای سنتی به درون مدرنیته افتادند. آنها از گذشته جدا نشده بودند، و هیچ بحرانی در نظام معرفتی‌شان به وجود نیامده بود که به‌صورت کاملاً ناگهانی با مدرنیته برخورد کردند؛ آنها همچون شخصیت‌های رمان‌های داستایفسکی از ریشه درآمده و فاقد جهت‌اند» (توسلی و قلی‌پور، ۱۳۸۶: ۸۱). از آنجایی که هویت برقرار نمودن توازن میان خود و دیگران بوده، و از طرف دیگر با اعتقاد به دوسویه و دیالکتیکی بودن هویت،

این مقاله درصدد بررسی هویت ملی و هویت محلی مردمان لک است. شناخت نقش هر کدام از مؤلفه‌های هویت‌بخش، هماهنگی و تعامل سطوح هویتی ملی و محلی، از مهم‌ترین دلایل ضرورت‌بخش تحقیق بوده است.

سؤال‌های تحقیق

- ۱- وضعیت گرایش به هویت ملی در بین لک‌زبانان چگونه است؟
- ۲- وضعیت گرایش به هویت محلی در بین لک‌زبانان چگونه است؟
- ۳- چه نسبتی بین هویت ملی و هویت محلی وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

هرمنسن و محروق‌خان (۲۰۰۹) در تحقیقی با روش کیفی هویت دختران ساما (دختران آمریکائی مسلمان آسیای جنوبی) را مطالعه کرده‌اند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که هویت به طور فزاینده‌ای برساخته می‌شود و افراد توانایی برقراری توازن را میان سه عنصر هویتی‌شان، اعم از ملی، قومی و دینی دارند (هرمنسن و محروق‌خان، ۲۰۰۹: ۸۶). اریک انونبی (۱۳۹۴) لکی را زبانی مستقل دانسته و اذعان می‌دارد که، هرگونه شباهت خاص میان لکی پیش‌کوهی و لری، نتیجه‌ی همزیستی لک‌ها بالرها بوده و این مسأله نمی‌تواند نشانی بر یگانگی نژادی این دو گروه اصیل ایرانی باشد. نتایج تحقیق میرمحمدی و ساروخانی (۱۳۹۱)، در مورد تأثیر فضای مجازی بر تحولات هویت ملی نشان می‌دهد که، در مجموع گرایش به هویت ملی در میان شهروندان تهرانی بالاست. نصری (۱۳۹۰) در مبنای هویت ایرانی، قابلیت مؤلفه‌های هویت‌بخشی را چون زبان فارسی، دین، معماری، موسیقی و اساطیر در چشمگیر دانسته، و معتقد است که، هویت ایرانی از مانایی زیادی برخوردار است. نتایج تحقیق توسلی و قلی‌پور (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که لک‌ها با پذیرفتن عناصر مدرن و جهانی در کنار عناصر قدیمی و محلی، ترکیب ظریفی از امر محلی و جهانی رابه وجود آورده‌اند. زارعی و دیگران (۱۳۹۴) در تحقیق بازنمایی هویت ناحیه‌ای و ملی در کتاب‌های استان‌شناسی به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه‌ی هویت ناحیه‌ای و ملی در سه حالت همسویی، تفاوت و غیرهمسو بوده، و بر پاسداری از هویت ناحیه‌ای به‌عنوان بخشی از هویت ملی ایرانیان تأکید کرده‌اند. پژوهش انجام گرفته توسط توسلی و قاسمی (۱۳۸۱) در ایلام نشان می‌دهد که تعلق خاطر مردم ساکن در استان ایلام به هویت ملی بالاست.



کریمی و موذن (۱۳۹۰) در پژوهش «تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی آنها در ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که گروه‌های متنوع فرهنگی در ایران دارای همزیستی مسالمت‌آمیز بوده که ریشه در نظام معنایی و باور مشترک همه ایرانیان بر ایرانی بودن خود دارد. نتایج تحقیقات دبیرمقدم (۱۳۹۲) و عبدی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که زبان لکی، زبانی از لحاظ گروه‌بندی زبان‌ها جزو زبان‌های غربی - شمالی زبان‌های ایرانی محسوب می‌شود.

تبیین مفاهیم

پرسش از هویت به معنای پرسش از چیستی و کیستی یک فرد، گروه، و یا جامعه است. پرسش از هویت تاریخچه‌ای به قدمت بشریت دارد. سؤالی که همواره در مورد مبدأ و منشاء بشر و مقصد وی ذهن انسان را به خویش مشغول ساخته است. از خاستگاه ادبی گرفته تا خاستگاه دینی، تاریخی و اجتماعی همواره چیستی و کیستی انسان جایگاه در خور توجه‌ای داشته است. واژه هویت به دو معنای ظاهراً متناقض به کار می‌رود ۱- همسانی و یکنواختی مطلق ۲- تمایز، که دربرگیرنده‌ی ثبات یا تداوم در طول زمان است. گرچه دو معنای نام برده متناقض و متضاد به نظر می‌آیند، ولی به دو جنبه‌ی اصلی و مکمل هویت معطوف هستند (گل محمدی، ۱۳۹۳: ۲۲۲).

در حوزه علوم اجتماعی نیز از جامعه‌شناسان کلاسیکی هم‌چون مید، ترنر، وبر و زیمل گرفته تا جامعه‌شناسان متأخری مثل جنکینز، کاستلز، گیدنز، رابرتسون، تاجفل هرکدام از زاویه و دید خاصی به مفهوم هویت پرداخته و درصدد تئوریزه کردن سطوح هویت بوده‌اند. براساس نظریه مید، خود، که معادل هویت است می‌تواند متکثر باشد و منظور از هویت اجتماعی آن دسته از ویژگی‌هایی است که فرد را در ارتباط احساس تعلق و تعهد با دیگران قرار می‌دهد. هر چند که نظریه هویت بیشتر ریشه در کارهای نظریه‌پردازان اولیه‌ی کنش متقابل نمادین دارد، تاجفل و ترنر در نظریه‌ی هویت اجتماعی، هویت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «درک فرد مبنی بر این‌که متعلق به گروه‌های اجتماعی معینی است و این تعلق با اهمیت دادن احساس و ارزش به عضویت گروهی خود همراه است» (عالمی، ۱۳۸۰: ۴۵). در این نظریه بر هویت‌های اجتماعی متعدد، سطوح مختلف آنها، برجستگی هویت اجتماعی و چگونگی فرایند تولید برجستگی هویت‌های مختلف تأکید و توجه بیشتری شده است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۱۷۱). براساس نظریه هویت اجتماعی، عضویت گروهی به خودی‌خود، مقوله‌بندی درون‌گروهی را ایجاد می‌کند. درواقع تاجفل بین هویت اجتماعی و عضویت گروهی

ارتباط برقرار می‌کند، او عضویت گروهی را شامل سه عنصر: الف) عنصرشناختی که به میزان آگاهی شخص به متعلق‌بودن در یک گروه برمی‌گردد. ب) عنصر ارزشی که شامل محاسباتی می‌شود که فرد درباره‌ی پیامدهای مثبت و یا منفی عضویت گروهی دارد. ت) عنصر احساسی که به میزان احساسات نسبت به یک گروه و نیز افراد دیگری که رابطه ویژه‌ای با آن گروه دارند، می‌داند (گل‌محمدی، ۱۳۹۳: ۲۲۳). در نزد ترنر، نظریه‌ی هویت اجتماعی در واقع دو نظریه‌ی مرتبط به هم را شامل می‌شود؛ در حالی که بحث نظریه هویت اجتماعی ارتباطات بین گروهی و مخصوصاً سوگیری درون‌گروه و کشمکش اجتماعی است، نظریه‌ی خود مقوله‌بندی بر فرایندهای مرتبط با پیوستگی و تعاون و تأثیرپذیری اجتماعی شکل گرفته است (ترنر و هسلام، ۲۰۰۱: ۲۰).

از دیدگاه ریچارد جنکینز، از دیگر نظریه‌پردازان هویت اجتماعی، افراد در تعاملات اجتماعی خود و دیگران را تعریف و بازتعریف می‌کنند. «خود» در عمل و همزمان از تعریف خود و دیگران حاصل می‌شود. دیالکتیک بیرونی و درونی فرایندی است که به واسطه آنها همه‌ی هویت‌ها اعم از فردی و اجتماعی ترکیب می‌یابند (جنکینز، ۱۳۸۰: ۳۵). در تعریف سطوح هویتی ماکس وبر بر اجتماع سیاسی، دورکیم بر آگاهی جمعی، زیمل بر تعلق گروهی، جنکینز بر معانی مشترک، کلدبرگ بر ابزار استدلال، آندرسون بر گفتمان، تئودرسون بر فرهنگ مشترک، اشنایدر بر نژاد، کلدوری بر تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، اشکرف بر عناصر نمادین، اریکسون بر تمایزات فرهنگی و سرانجام بارت بر عوامل ذهنی تأکید می‌کنند.

واژه‌های ملی و ملیت در حوزه علوم اجتماعی قدمت چندانی ندارند، هر چند که احساس تعلق به سرزمین قدمتی دیرینه دارد. حس تعلق افراد به یک مجموعه با عنوان ملت فصل مشترک نظریه‌پردازانی از جمله تامسون (۲۰۰۱)، گل‌محمدی (۱۳۸۱) و ملشویچ (۲۰۰۲) است. اما به هر حال مفهوم هویت ملی از جمله مفاهیمی است که دامنه‌ی وسیعی داشته و همواره مورد مناقشه بوده است. مسعود چلبی دو عنصر پایبندی ملی، مشارکت و تعهدعام را عناصر مهم هویت ملی می‌داند و معتقد است که، هویت ملی با چهار ویژگی تعاملات اجتماعی، عام‌گرایی، عدالت توزیعی و اقتدار مشروع نظام معنا پیدا می‌کند (حاجیان، ۱۳۸۸: ۳۷۷).

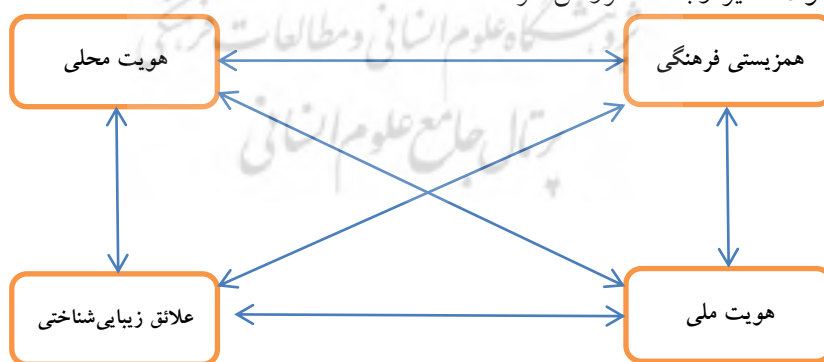
در مورد استعمال هویت ملی برای ایران، جواد طباطبایی (۱۳۹۴) معتقد است که: «ایران یک نظریه است» و ما، قبل از این که کلمه‌ی «ملت» را در معنای امروزی داشته باشیم، به صورت طبیعی ملت ایران را داشتیم، حال آن‌که ملت‌های اروپایی نتیجه و

مولود کلمه «ملت» در معنای جدید هستند. احمدی مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی را تاریخ ایران، اسطوره‌ها، جغرافیا و میراث فرهنگی دانسته (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۹۴) و هم‌چنین معتقد است که، دیدگاه‌های مدرنیستی همچون آندرسون، هابساوم و گلنر که پیدایش ملت را به ظهور سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی نسبت می‌دهند قادر به تبیین مسأله‌ی ملیت در ایران نیستند، بلکه دیدگاه افرادی چون آمستردانگ، آنتونی اسمیت و دیوید میلر که به وجود ملت‌های پیش از دوران مدرن باور دارند بیشتر قادر به تبیین، پیدایش و تکامل ملت در ایران است (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

به هر روی، پدیده‌ی ملت در ایران ماهیتی تاریخی داشته و قدمت آن به رویدادها و تحولات سیاسی و اجتماعی پیش از اسلام می‌رسد. با این حال در یک جمع‌بندی کلی در مورد مفهوم ملت و هویت ملی ایرانی می‌توان اذعان داشت که هویت ایرانی نوعی احساس تعلق و وابستگی به محدوده جغرافیایی، تاریخ و فرهنگ ایرانی است که قدمتی دیرینه داشته (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۵) و هویت محلی نیز از دیگر سطوح هویتی است که زیرمجموعه‌ی هویت ملی تعریف شده و نمود یافته است (زارعی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۵). «نظام معنایی مشترک و باورداشت‌های واحد از خاستگاه دین و تاریخ مشترک از عوامل اصلی همزیستی تاریخی مسالمت‌آمیز بین گروه‌های متنوع فرهنگی در ایران بوده که آنها را به سان عضوی مکمل از پیکری واحد در آورده است» (کریمی و موذن، ۱۳۹۰: ۲۵).

مدل تحلیلی

مدل نظری تحقیق به شکل زیر است. در این مدل اثربخشی متغیرها بر هویت ملی به‌عنوان متغیر وابسته مفروض گرفته شده است.



مدل تحلیلی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد که هویت ملی و محلی قوم لک در تداوم و پیوستگی با یکدیگر است.
- ۲- به نظر می‌رسد که همزیستی فرهنگی موجب تشدید گرایش به هویت ملی است.
- ۳- به نظر می‌رسد که علائق زیبایی‌شناختی بومی، تشدیدبخش گرایش به هویت ملی است.
- ۴- به نظر می‌رسد که هویت محوری در نزد لک‌زبانان هویت ملی است.

متغیرهای تحقیق

هویت ملی: «هویت ملی به معنای هم‌ذات‌پنداری با ملت و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن است.» (ربانی، ۱۳۹۰: ۶۷). برای عملیاتی کردن متغیر هویت ملی از مجموع گویه‌هایی مربوط به احساس تعلق خاطر و احساس افتخار و وفاداری به اجتماع ملی، و احساس سربلندی و افتخار نسبت به نمادهایی همچون: زبان فارسی، پرچم کشور، مفاخر فرهنگی ملی، و داشتن تعهد و مسؤلیت‌پذیری نسبت به تاریخ و جغرافیای ملی، استفاده شده است.

هویت محلی: سبک زندگی، مکان، فرهنگ، گویش و تاریخ عناصر تشکیل‌دهنده‌ی هویت محلی است (زارعی، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

علائق زیبایی‌شناختی بومی شامل گرایش‌ها و علاقمندی افراد به موسیقی محلی ایرانی، پوشش و لباس بومی مناطق لک‌نشین، و مفاخر فرهنگی و هنری بومی است که عمدتاً از خلال فرایند مصرف فرهنگی بروز می‌کند.

همزیستی فرهنگی: «همزیستی فرایندی است که به موجب آن دو یا چند نفر یا گروه در مجاورت مکانی و یا نوعی رابطه‌ی متقابل که مبتنی بر کارکردهای معینی است، با یکدیگر زیست می‌کنند» (کریمی و موذن، ۱۳۹۰: ۲۵).

برای عملیاتی کردن متغیر همزیستی از گویه‌هایی در مورد میزان رضایت از حسن همجواری، همزیستی و نحوه تعامل و برخورد‌گردها و لرها با مردمان لک، احساس احترام، حفظ ارزش‌ها و هم‌چنین رضایت از شبکه‌های سیمای استانی استفاده شده است.

روش تحقیق: روش تحقیق به کاررفته در این پژوهش پیمایشی بوده و تحقیق در سال ۱۳۹۵ انجام گرفته است.

جامعه آماری و حجم نمونه: جامعه آماری این رساله مردمان لک ساکن در ایران است. با توجه به گستردگی و پراکندگی جامعه‌ی آماری، محقق ناگزیر به محدود کردن جامعه آماری است. بنابراین تعداد ۴۰۲ نفر به‌عنوان حجم نمونه با استفاده از فرمول



کوکران و با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای از استان‌های لرستان، کرمانشاه، ایلام و همدان انتخاب شده است.

تکنیک گردآوری اطلاعات: در جمع‌آوری داده‌های تحقیق از پرسشنامه محقق‌ساخته و هم‌چنین از پرسشنامه سنجش هویت ملی ایرانیان (حاجیان، ۱۳۸۸) استفاده شده است. پرسشنامه دارای اعتبار صوری و برای سنجش روایی آن از ضریب پایایی آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کلی پرسشنامه ۰/۹۲ بوده است.

یافته‌های پژوهشی

توصیف آماری

از لحاظ متغیر جنسیت ۵۳ درصد پاسخگویان مرد و ۴۷ درصد نیز زن بوده‌اند. از لحاظ متغیر محل سکونت ۳۰ درصد از استان لرستان، ۲۹/۵ درصد از استان کرمانشاه، ۲۱ درصد از استان ایلام و ۱۹/۵ درصد نیز از استان همدان بوده‌اند. هم‌چنین ۳۵/۵ درصد تحصیلات ابتدایی، ۴۰/۵ درصد متوسطه و ۲۴ درصد نیز تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. جدول شماره ۲ شدت گرایش افراد به متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: وضعیت گرایش افراد به سطوح هویت

متغیر	شدت گرایش (درصد)		
	قوی	متوسط	ضعیف
هویت ملی	۸۵/۳	۱۰/۳	۴/۴
هویت محلی	۷۴/۸	۱۶/۶	۸/۶

در بررسی شدت گرایش افراد به سطوح هویتی، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۸۵/۳ درصد افراد دارای گرایش قوی به هویت ملی است، درحالی‌که این مقدار برای هویت محلی ۷۴/۸ درصد است.

نتایج به دست آمده از شدت گرایش مردم لک‌زبان به سطوح هویتی، پاسخگوی سؤالات شماره یک و دو تحقیق مبنی بر وضعیت گرایش افراد به هویت ملی و هویت محلی است. یافته‌های این بخش تحقیق در راستای تحقیقات پیشین احمدی (۱۳۹۰) مبنی بر این که هویت ملی ایرانی عالی‌ترین نماد تجلی هویتی مردمان ایران است که هویت‌های شخصی و اجتماعی در پوشش و تعامل و نه تقابل با آن جلوه‌گر شده‌اند؛ و هم‌چنین تحقیقات زارعی (۱۳۹۴) مبنی بر همسانی هویت ناحیه‌ای و هویت ملی و هم‌چنین نتایج تحقیق کریمی و موذن (۱۳۹۰) است.

آمار استنباطی و آزمون فرضیات

برای تست فرضیه‌های تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است.

جدول شماره ۲: آزمون همبستگی بین متغیرها

متغیر وابسته: هویت ملی		متغیرهای مستقل
پیرسون	Sig	
۰/۲۰۸	۰/۰۰۰	هویت محلی
۰/۶۳۸	۰/۰۰۰	همزیستی فرهنگی
۰/۱۳۹	۰/۰۰۹	علائق زیبایی‌شناختی بومی

جدول شماره ۳ سطح معناداری و مقدار پیرسون را برای متغیرهای تحقیق گزارش می‌کند. سطح معناداری گزارش شده (Sig= 0.000) برای آزمون پیرسون مؤید معنادار بودن آزمون در سطح یک درصد خطا است. به عبارتی فرضیه شماره یک تحقیق، که تداوم و پیوستگی بین هویت محلی لک‌زبانان و هویت ملی را مفروض گرفته بود در سطح یک درصد خطا تأیید می‌شود. بدین معنا که هر چه بر شدت محلی‌گرایی افزوده می‌شود، به همان نسبت بر شدت گرایش به هویت ملی افزوده می‌شود. به عبارتی تضاد و تعارضی بین هویت ملی و هویت محلی در بین مردم لک‌زبان ایران وجود ندارد. آنها لک‌بودن را ایرانی‌بودن و هویت ایرانی خویش را عین هویت محلی قلمداد می‌کنند. شدت گرایش به هویت ملی و هویت محلی در بین لک‌های مقیم استان لرستان و ایلام، بیشتر از لک‌های مقیم استان کرمانشاه و همدان است.

فرضیه شماره دو تحقیق نیز که وجود رابطه بین همزیستی فرهنگی بین هویت‌های محلی و گرایش به هویت ملی را مفروض گرفته بود، در سطح یک درصد خطا تأیید می‌شود و مقدار پیرسون گزارش شده (۰/۶۳۸) مؤید همبستگی قوی بین دو متغیر بوده، و به عبارتی همچنان که همزیستی فرهنگی هویت‌های محلی قوی‌تر می‌شود به همان نسبت بر گرایش آنها به هویت ملی افزوده می‌شود.

هم‌چنین فرضیه شماره سه تحقیق، که مربوط به وجود رابطه بین هویت ملی و علائق زیبایی‌شناختی بومی (شامل موسیقی، زبان و ادبیات، مفاخر و پوشش محلی) است، با توجه به مقدار سطح معناداری گزارش شده در جدول فوق (۰/۰۰۹) تأیید می‌شود و مقدار پیرسون (۰/۱۳۹) نیز شدت همبستگی را نشان می‌دهد. این یافته‌ی



پژوهشی ضرورت توجه به علائق زیبایی‌شناختی بومی و محلی، از جمله تقویت خرده‌فرهنگ‌های بومی ایرانی را نمایان می‌سازد، که از یک‌طرف موجب تقویت هویت ملی بوده و از طرف دیگر سنگرهای مقاومت در مقابل تهاجم فرهنگی غرب هستند. برای آزمون فرضیه چهارم از مقایسه میانگین استفاده شده است. که نتیجه آزمون مقایسه میانگین در جدول زیر گزارش می‌شود.

جدول شماره ۳: مقایسه میانگین سطوح هویت

رتبه	هویت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	معیار میانگین خطای	T	درجه آزادی	معناداری
۱	ملی	۴۰۰	۴/۲۷	۰/۸۴۷	۰/۰۴۲	۱۰۰/۷۴۴	۳۹۹	۰/۰۰۰
۲	محلی	۴۰۰	۳/۹۹	۰/۹۸۹	۰/۰۴۹	۸۰/۴۱۷	۳۹۹	۰/۰۰۰

یافته‌های تحقیق در این قسمت، فرضیه شماره چهار تحقیق را، که محوری بودن هویت ملی در بین لک‌زبانان ایران را مفروض گرفته بود، در سطح یک‌درصد خطا تأیید می‌کند. سطح معناداری گزارش شده ($Sig=0.000$) نشان می‌دهد که آزمون مقایسه میانگین معنادار بوده و مقدار میانگین شاخص هویت ملی ۴/۲۷ و برای هویت محلی ۳/۹۹ است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که هویت ملی در مقایسه با هویت محلی از میانگین بالاتری برخوردار است. بنابراین مشخص می‌شود که هویت محوری لک‌زبانان هویت ملی آنهاست.

تحلیل رگرسیون چندمتغیره هویت ملی

نتایج تحلیل چندمتغیره به تفکیک متغیرهای وابسته و ضریب استاندارد بتا (β) متغیرهای مستقل در مدل‌های رگرسیونی متغیر وابسته هویت ملی در جداول زیر منعکس شده است.

جدول شماره ۴: خلاصه مدل رگرسیون چندمتغیره برای هویت ملی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	اشتباه معیار میانگین
۱	۰/۶۵۲	۰/۴۲۵	۰/۴۲۰	۷/۲۸۱۸۰

جدول شماره ۵: ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده هویت ملی

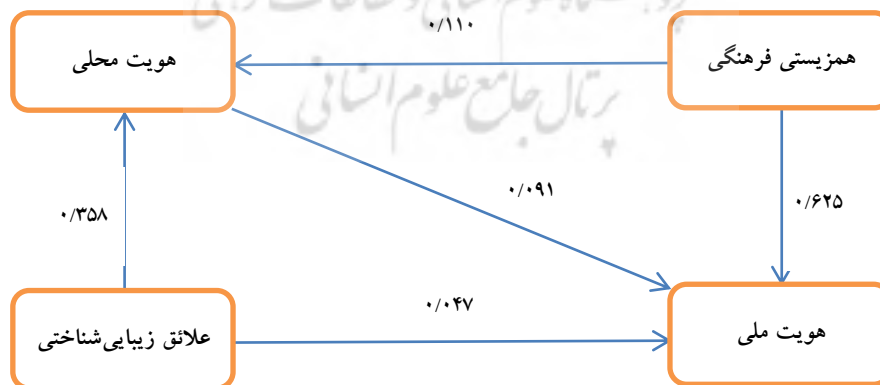
مدل	مجموعه درجات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معناداری
تبیین شده	۱۴۷۹۴/۰۲۱	۳	۴۹۳۱/۳۴۰	۹۳/۰۰۱	۰/۰۰۰
تبیین نشده	۲۰۰۴۳/۳۱۲	۳۷۸	۵۳/۰۲۵		
کل	۳۴۸۳۷/۳۳۲	۳۸۱			

مقدار R^2 گزارش شده (۰/۴۲۵) بیانگر این مسأله است که ۴۲/۵ درصد واریانس متغیر وابسته (هویت ملی) بوسیله متغیرهای مستقل هویت محلی، همزیستی فرهنگی بین هویت‌های محلی و علائق زیبایی‌شناختی بومی وارد شده در مدل قابل تبیین است.

جدول شماره ۶: ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده هویت ملی

مدل ۱	ضرایب استاندارد نشده		استاندارد شده رگرسیون تجزیه	آزمون T	معناداری
	ضرایب رگرسیون جزئی	اشتباه استاندارد			
مقدار ثابت	۳۳/۳۹۱	۲/۷۶۴		۱۲/۰۷۹	۰/۰۰۰
همزیستی فرهنگی	۸/۶۳۵	۰/۵۴۵	۰/۶۲۵	۱۵/۸۴۲	۰/۰۰۰
هویت محلی	۰/۰۳۶	۰/۰۱۷	۰/۰۹۱	۲/۱۵۷	۰/۰۳۲
علائق زیبایی‌شناختی بومی	۰/۴۲۶	۰/۳۷۷	۰/۰۴۷	۱/۱۲۹	۰/۲۶۰

ضرایب استاندارد بتا (β) نشان می‌دهد که از متغیرهای مستقل انتخاب شده، همزیستی فرهنگی، هویت محلی و علائق زیبایی‌شناختی بومی (اعم از موسیقی بومی، پوشاک سنتی و مفاخر بومی) به ترتیب بیشترین اثر تقویتی را بر هویت ملی ایفا می‌کنند.





تحلیل مسیر انجام گرفته بر روی متغیرهای موجود در مدل نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر مستقیم به ترتیب مربوط به متغیرهای همزیستی فرهنگی (۰/۶۲۵)، هویت محلی (۰/۰۹۱) و علائق زیبایی‌شناختی بومی (۰/۰۴۷) و هم‌چنین بیشترین تأثیر غیرمستقیم از آن متغیرهای علائق زیبایی‌شناختی بومی (۰/۰۳۳) و همزیستی فرهنگی (۰/۰۱۰) است. یافته‌های تحقیق نشان از هماهنگی و هم‌گرایی هویت ملی به‌عنوان هویت محوری و هم‌چنین وجود همزیستی مسالمت‌آمیز گرد، لرو لک را در کنار یکدیگر دارد، و همین همزیستی مسالمت‌آمیز نقش مهمی را در تقویت هویت ملی ایفا می‌کند. توسعه نامتوازن، توزیع نامناسب ثروت در کشور و آمار بالای بیکاری آن در مناطق لک‌نشین ایران موجب شکل‌گیری پدیده احساس محرومیت «مبتنی بر اختلاف ما بین انتظارات و قابلیت‌ها ناشی از مقایسه اجتماعی» (چندرا، ۲۰۱۵: ۲۹۹) در بین مردمان لک شده است. مناطق لک‌نشین دارای بیشترین آمار بیکاری در منطقه و حتی کشور بوده و از لحاظ شاخص‌های توسعه‌یافتگی از کمترین میزان توسعه‌یافتگی برخوردارند. برای مثال در استان لرستان سهم شهرستان لک‌نشین دلفان از جمعیت استان تقریباً ۱۰٪ بوده اما سهم این شهرستان از زیرساخت‌های صنعتی ۰/۰۶٪ درصد است (هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). هم‌چنین یافته‌های تحقیق محمدی و دیگران (۱۳۹۱) در مورد مطالعه سطح توسعه‌یافتگی در استان لرستان نشان می‌دهد که مناطق لک‌نشین لرستان (شهرستان‌های دلفان، کوه‌دشت و سلسله)، دارای کمترین میزان توسعه در بخش صنعت است. با عنایت به اصل حفظ وحدت ملی می‌توان با توزیع عادلانه منابع و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای هدفمند در این مناطق محرومیت‌زدایی کرده و موجبات تقویت هویت ملی را فراهم کرد.

نتیجه‌گیری

تنوع فرهنگی در جامعه‌ی واحد ایرانی ضرورت توجه به مباحث هویتی و شناسایی ماهیت آنها را دوچندان می‌کند. این تحقیق برای شناخت هویت محلی و هویت ملی قوم لک انجام گرفته است. بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌ی تعیین‌کننده‌ی هویت نشان می‌دهد که زبان لکی جزو زبان‌های غربی - شمالی زبان‌های ایرانی (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۸۶۲) است. با توجه به این‌که مردمان لک در بین استان‌های لر‌نشین و کردنشین ایران پراکنده‌اند، این همزیستی و هم‌جواری و هم‌چنین آمیختگی فرهنگی، و پیوندی و ترکیبی بودن عناصر فرهنگی باعث شده که خیلی از محققان از روی آگاهی و عمداً یا

سهواً لک‌ها را جزو کُرد و لر معرفی کنند. اما واقعیت این است که حوزه فرهنگی لکستان حوزه‌ای خاص و علی‌رغم داشتن میراث گرانبهای ادبی و تاریخی همچنان ناشناخته باقی مانده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بین لک‌ها گرایش به هویت ملی قوی‌تر از گرایش به هویت محلی است و به عبارتی، هویت محوری لک‌زبانان هویت ملی بوده و ما [در این مناطق] با وضعیت هماهنگی و همگرایی بین سطوح هویت ملی به عنوان هویت محوری و معیار و هویت‌های محلی در زیر چتر هویت ملی مواجه هستیم. درخصوص متغیرهای زمینه‌ای نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات با هویت ملی همبستگی مستقیم و با هویت محلی همبستگی معکوس دارد. مردان در قیاس با زنان گرایش قوی‌تری به هویت محلی داشته و هم‌چنین گرایش به هویت در سطوح ملی و محلی در بین لک‌های مقیم لرستان و ایلام قوی‌تر از لک‌های مقیم کرمانشاه و همدان است، تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که متغیرهای هویت محلی، همزیستی فرهنگی و علائق زیبایی‌شناختی بومی بر متغیر هویت ملی اثر تقویتی داشته و ۴۲ درصد واریانس آن را تبیین می‌کند. به عبارتی متغیرهای سه‌گانه مذکور به عنوان متغیرهای مستقل توانسته‌اند که ۴۲ درصد علت گرایش به هویت ملی را تبیین کنند. نتایج به دست آمده مبنی بر وجود همزیستی فرهنگی بین لک‌زبانان با کُرد و لر، با نتایج تحقیقات کریمی و موذن (۱۳۹۰) مبنی بر همزیستی هویت‌های متنوع در ایران و رفتار مسالمت‌آمیز به عنوان اصل حاکم بر این روابط همخوانی دارد.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۹۰): *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- امان‌الهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۵): *قوم لر*، تهران: آگاه.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۸۴): *شاهنامه لکی*، تهران: اساطیر.
- برمن، مارشال (۱۳۷۹): *تجربه مدرنیته*، ترجمه مرادفرهادپور، تهران: طرح نو.
- توسلی، غلامعباس؛ قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۱): «مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۳، ش ۴، صص ۲۵-۳.
- توسلی، غلامعباس؛ قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۶): «جهانی‌شدن و هویت فرهنگی قوم لک»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۸، ش ۳، صص ۱۰۴-۸۱.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- چلبی، مسعود؛ یوسفی، علی (۱۳۸۰): «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۸، صص ۳۲-۱۳.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸): *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران: کمیل.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲): *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، تهران: سمت.
- دمرگان، ژاک (۱۳۳۹): *جغرافیای غرب ایران*، ترجمه کاظم ودیعی، تبریز: چهر.
- راولینسون، هنری (۱۳۶۰): *سفرنامه راولینسون*، ترجمه سکندر امان‌الهی، تهران: آگاه.
- ربانی، علی و دیگران (۱۳۹۰): «رابطه احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۲، ش ۲، صص ۹۴-۶۷.
- زارعی، اقبال و دیگران (۱۳۹۴): «بازنمایی هویت ناحیه‌ای و ملی در کتب استان‌شناسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۶، ش ۴، صص ۱۳۲-۱۱۵.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵): *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱.
- طباطبائی، جواد (۱۳۹۴): «گفتارهایی در باب ایدئالیسم آلمانی»، <http://www.azariha.org>
- عالمی، مسعود (۱۳۸۰): *مطالعه برجستگی‌های هویت در ایران*، رساله کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- عبدی، رضا (۱۳۹۱): *درآمدی بر هستی‌شناسی زبان لکی*، خرم‌آباد: سیفا.
- کریمی، علی؛ موذن، محمدحادی (۱۳۹۰): «تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی آنها در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۲، ش ۱، صص ۵۲-۲۵.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۹): *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی*، تهران: نشر فرهنگ صبا.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۹۳): *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*، تهران: نی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴): *زبان و هویت*، تهران: تمدن ایرانی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷): *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- محمدی، جمال و دیگران (۱۳۹۱): «بررسی سطح توسعه‌یافتگی استان لرستان»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، س ۱۲، ش ۲۵، صص ۱۵۰-۱۲۷.

- ملشویچ، سینشا (۱۳۹۰): *جامعه‌شناسی قومیت*، ترجمه رشید احمدش و جعفر احمدی، تهران: جامعه‌شناسان.
- میرمحمدی، داود؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۱): «فضای مجازی و تحولات هویت ملی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۳، ش ۴، صص ۳۰-۳.
- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳): *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: تمدن ایرانی.
- مینورسکی، ولادیمیر فنودوروویچ (۱۳۷۹): *گُرد*، ترجمه حبیب‌اله تابانی، تهران: نشر گستره.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰): *میانی هویت ایرانی*، تهران: تمدن ایرانی.
- هاشمی، عبدالرضا (۱۳۹۲): «سیمای توسعه در لرستان»، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره ۷، ش ۴، صص ۱۴۷-۱۳۰.
- هال، استوارت (۱۳۸۳): *هویت‌های قدیم و جدید*، ترجمه شهریار وقفی‌پور، ارغنون، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- یارشاطر، احسان (۱۳۷۷): *زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Anonby, Erik John (2015); *Kurdish or Luri?Laki's, disputed identity in the Luristan province of Iran*, <https://carleton.ca/french/people/erik-anonby>.
- Ashcreft, B. & Griffiths, G. & Tiffin H. (1998); *Key Concepts in post colonial studies*, London: Routledge.
- Chandra, Siddharth and AngelaWilliams Foster(2005); "The Revolution of Rising Expectations, Relative Deprivation, and the Urban Social Disorders of the 1960s", *Social Science History*, 29: 2 (summer 2005), 299-332.
- Eriksen, Thomas H. (1993); *Ethnicity and nationalisim*, London: Pluto press.
- Gibbons, Ann (2016); www.sciencemag.org/news/2016/07/worlds-first-farmers-were-surprisingly-diverse.
- Hermansen, Marcia and Mahruq F. Khan (2009); "South Asian Muslim American Girl Power: Structures and Symbols of Control and Self-Expression", *Journal of International Women's Studies*, Vol 11, No 11, #1 November 2009: 86-104.
- Thomson, Andrew (2001); "National Identities and human agency", *the sociological review*, Vol 49, No 1, PP 18-32.
- Turner, C. & Haslem, S. (2001); *Social Identity, Organization and Leadership*, London: Lawrence Erlbaum Association's Publishers.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی